

ادامه از صفحه ۹ | به این اساس، استقرار شبکه ارتباطی در کشور به مرکزیت تهران به ساختار فضایی فعالیت‌های کشور محوریت بخشیده است. از منظر همبستگی ملی و پیوستگی سرزمینی نیز ایران کشوری با گوناگونی فضایی است به گونه‌ای که برخی از این نواحی از منظر یکپارچگی ملی و سرزمینی نسبت به هسته ملی گرایش‌های واگرایانه‌ای نشان داده‌اند. تجربه نشان داده است هنگامی که هسته سیاسی (تهران) در جایگاه پایتخت دچار آشفتگی و نابسامانی بوده است، نیروهای واگرا و ناحیه‌گرا فعال شده‌اند و دست کم خواستار برخی امتیازات ناحیه‌ای و گاه جداسازی شده‌اند. با توجه به وضع جدید حاکم بر مناسبات قدرت در منطقه و جهان و پیشرفت شگفت‌انگیز فناوری اطلاعات و ارتباطات، پایش و مهار چنین نیروهایی به اساننی گذشته نخواهد بود. آن‌جا که میان دو عامل بعد جغرافیایی و پایش سیاسی مکان‌ها و نواحی پیرامونی رابطه معکوس وجود دارد، موقعیت جغرافیایی تهران در میان نواحی سیاسی فعال کشور به این شهر حالت مرکزی بخشیده و امکان کنترل مرکز بر این نواحی و برقراری رابطه متوازن میان آنها فراهم کرده است.

وزن ژئوپلیتیک تهران

موارد بر شمرده درباره وزن ژئوپلیتیک شهر تهران تنها بخشی از کارکردهای کشوری و فراکشوری این شهر را می‌نمایاند که سنجش پذیر با هیچ یک از شهرهای کشور نیست. از این رو، کارکردی بی‌همتا داشته است. بر این پایه، هر پدیده یا عاملی که تا کارآمدی توانش مندی‌های این شهر را در پی داشته باشد دست کم به بحران ملی می‌تواند منجر شود. پدیده‌هایی که در تهران رخ می‌دهد و هوای و بستر جغرافیایی نامن به واسطه وجود گسل‌های فراوان، ثبات و امنیت در زمینه پایتخت در کانون مباحث کارشناسان و کارگزاران قرار داشته است که در ادامه شماری از آنها با گشایی خواهند شد.

بستر لرزه‌خیز تهران

از دید زمین‌شناسی همه داده‌های موجود گویای فعال بودن گسل‌های شهر تهران هستند. گسل‌های پیشینه و تاریخچه لرزه‌خیز دارند به گونه‌ای که از یک سوزمین لرزه‌های ویرانگر تاریخی در ناحیه‌ری در ۴ سده پیش از میلاد و همچنین لرزش‌های تاریخی ۷۴۳، ۸۵۵ و ۹۵۸ ه. ق. و رخداد لرزه‌های مهم ۱۱۷۷ و ۱۳۴۱ خ. بویین‌تهر در جنوب‌دشت قزوین در غرب تهران که برآورد می‌شود همگی بزرگایی بیش از ۷ ریشتر داشته‌اند گویای احتمال رخداد لرزش‌های ویرانگر در نشستگاه شهر تهران است. از گسل‌های آشکار و مهم تهران می‌توان به گسل مشاء، شمال تهران، نیابور، نلو پایین، محمودیه، شیاب کوثر، شمال ری، جنوب ری، کهریز کم، گرمسار، پیشوا و پارچین (پولکی) ... اشاره کرده از دیگر، سوس گسل‌های پنهانی نیز در زیر آب‌رفت‌های شهر تهران وجود دارند. بر پایه برآوردهای موجود، دوره بازگشت زمین‌لرزه‌های تهران از نزدیک به ۱۶۰ سال برآورد کرده‌اند که بر این پایه، باستانی در ۳ دهه پیش زمین‌لرزه‌های بزرگای دست کم ۶ (مقیاس ریشتر) در پایتخت رخ می‌داد اما چنین ندره با توجه به تاریخچه زمین‌لرزه‌های تهران به‌طور کلی دوره بازگشت لرزش‌های آن را میانه ۲۰۰-۱۵۰ سال در نظر می‌گیرند، اما باید توجه داشت که هر چه دوره بازگشت زمین‌لرزه به درازا بینجامد به سبب افزایش میزان کرنش جمعی در گسل، انرژی بیشتری هنگام لرزه‌خیزی آزاد خواهد شد. به دیگر سخن، توانش ویرانگری آن به همان اندازه قزوینی می‌باشد. از زمان واپسین زمین‌لرزه تهران (۱۲۰۹) نزدیک به ۱۸۴ سال می‌گذرد آنچه آشکار است با گذشت لرزه‌های بیشتر از واپسین زمین‌لرزه تهران احتمال رویداد لرزشی بزرگتر قزوینی می‌یابد که به واسطه افزایش انرژی ذخیره شده در گسل، بزرگای لرزه‌به مقدار حداکثر خود نزدیک خواهد شد. نزدیک به ۵/۵ میلیون تن در تهران در گستره پهنای گسل زمین‌لرزه و بافت فرسوده ساکن هستند که روی هم رفته ۶۰ درصد جمعیت پایتخت در معرض بالای لرزه‌فراز دارند. بی‌گمان، رخداد زمین‌لرزه‌های بزرگای ۶ و بالاتر (از آن در مقیاس ریشتر) یعنی معادل زمین‌لرزه‌های رویدار ویم در تهران با توجه به سستی و ناپایداری بسیاری از سازه‌های موجود در برابر لرزش قانچ‌های ملی و تاریخی رخ می‌دهد که بی‌گمان کشتار و ویرانی هولناکی در پی خواهد داشت.

آلودگی شهر تهران

هر چند هوای تهران همیشه آلوده است، اما هر ساله در فصول سرد سال به واسطه کاهش دما و پدیده وارونگی هوا آلودگی هوای پایتخت رو به قزوینی می‌نهد و به مرز هشدار می‌رسد. کارشناسان عوامل مختلفی همانند پایین بودن استاندارد‌های سوخت و خودرو، کارخانه‌های فرسوده شتن و ماسه به‌ویژه در غرب تهران، کارخانه‌های سیمان و بخشی از صنایع آلیاژ مصرف‌کننده از زیست، سامانه‌های گرمایش خانگی صنایع آلاینده، تردد خودروها و موتورسیکلت‌های غیراستاندارد و فرسوده، راه‌اندازی ناشی از شمار زیاد خودروها، توسعه شهرنشینی، وارونگی دما به‌ویژه در فصول سرد سال، وزش بادهای غالب غربی و جنوب غربی و موقعیت جغرافیایی و کوهستانی بخش شمالی شهر تهران را در آلودگی هوا مؤثر می‌دانند. امروز بسیاری از خودروهای پایتخت کاتالیست‌موتور ندارند، چرا که آلودگی خودروهای که کاتالیست استاندارد ندارند، یک صدم درصد است. در حالی که در مراکز معاینه فنی حجم آلودگی را تا ۲۵ درصد قابل پذیرش می‌دانند. در واقع، آلودگی خودروهای که معاینه‌فنی دارند اما کاتالیست‌موتور ندارند، ۷۵۰ برابر خودروهایی است که این قطعه را دارند. بر پایه داده‌های موجود، روزانه بیش از ۱۳ میلیون لیتر بنزین و ۲ میلیون لیتر گازوئیل و دیگر انواع فرآورده‌های سوختی در تهران مصرف می‌شود و می‌سوزد که در نتیجه آن هر روز ۱۲۰۰ تن آلودگی وارد هوای تهران می‌شود که بیشتر این آلاینده‌ها به ترتیب مربوط به کسب‌وکارها، موتور، کسب‌وکارهای نیتروژن، متواکسید کربن و هیدرو کربن‌های سوخته‌نشده است که بر این آلاینده‌ها باید ذرات استیک و لنت ترمز را نیز افزود. یافته‌های موجود نشان می‌دهند از توان اکولوژیک شهر تهران بیش از ظرفیت آن استفاده می‌شود، به گونه‌ای که در تهران، هم‌اکنون ۳ میلیون ۲۰۰ هزار دستگاه خودرو وجود دارد. این در حالی است که تهران ظرفیت پذیرش ۷۵۰ هزار دستگاه خودرو دارد.



جابه‌جایی پایتخت بایسته‌ها و بازدارنده‌ها

بر پایه گزارش سازمان کنترل کیفیت هوای تهران، در بیش از دو سوم از روزهای سال غلظت آلودگی آنچنان بالا است که گسترش دید کامل راه کمتر از ۵۰۰ متر فرو می‌کاهد و در سراسر این مدت ساکنان محدوده دو سوم جنوبی شهر بیشتر نمای محو و کدری از کوهستان شمال شهر می‌بینند. همچنین از یک سوم بالای شهر هم دو سوم جنوبی آن به زحمت دیده می‌شود و اغلب هم در بخش از شهر در حاله‌ای از «مه دوده» خاکستری پوشیده است و میزان آلودگی گاه طی‌سال به اندازه‌ای می‌رسد که سازمان‌های مسئول آن را در مرحله خطرناک و بحرانی اعلام می‌کنند و مانند کودکان، سالخورده‌گان و بیماران قلبی و تنفسی را در منزل گریزناپذیر می‌دانند. در کنار این عوامل باید معضل تولید انبوه انواع ساماندها و پالیه‌های خانگی، تجاری، صنعتی، بیمارستانی، الکترونیکی و ... نیز افزوده که پیامدهای فاجعه‌باری بر سلامت مردم دارد که زمینه کاهش میانگین عمر شهروندان تهران شده است. از دیگر سو، اجرای برنامه‌هایی همانند طرح زوج یا فرد و گسترش دایره طرح ترافیک برای مشکل راهبردی و آلودگی هوا تاکنون مانده‌اند به گونه‌ای که بر بنیاد آمارهای موجود پیامدهای آلودگی هوای این شهر سالانه چندین هزار تن را ر‌هسپار دیار باقی می‌کند.

تنگنای منابع آب

بارش تهران امروز اگر از صدسال پیش کمتر نشده باشد بی‌گمان بیشتر هم نشده است اما رشد جمعیت و تقاضای پرای آب طی این مدت ابعاد فزاینده و میلیونی داشته است. اساسا موقعیت جغرافیایی تهران به گونه‌ای است که میانگین بارش ۲۵۰ میلی‌متر آن به هیچ وجه توانش تأمین نیازهای موجود و فرازینده‌اش را ندارد و تاگزیر به استفاده از همه حوضه‌های پیرامونی و حفر چاه است. این در حالی است که دست کم نیم طبق سده اخیر به واسطه ساخت انواع سازه‌های مسکونی و غیر مسکونی (صنعتی، راه و ...) و نبود سامانه پالایش

پساب‌ها بر آبخوان‌ها و کیفیت آب‌های زیرزمینی این شهر تأثیر منفی گذاشته است و ۳۰ درصد مصرف شهر تهران از همین منابع زیرزمینی آلوده به انواع آلاینده‌ها از جمله نیترات تأمین می‌شود که در بخش‌هایی از مناطق جنوبی تهران به دلیل برداشت آب از چاه آلودگی بر خاسته از وجود نیترات آشکار است. این در حالی است که پیامدهای ناگوار بر خاسته از این آلودگی‌ها به‌ویژه نیترات در قالب آمار و ارقام محرم‌مانگانه داشته شده است و هزار گاهی توسط برخی مسئولان بهداشتی و شهری هشدار می‌دهند که زنان باردار و خردسالان از نوشیدن آب تهران به‌ویژه در مناطق پایین شهر خودداری کنند. بر این پایه، افزایش جمعیت پایتخت قطعا برای این شهر تهدید و بحران خواهد بود.

جابه‌جایی پایتخت

باتوجه به نقش و حوزه نفوذ ملی و فراملی کلاشهر تهران به نظر می‌رسد بروز هر گونه پیشامد که کارکرد این شهر را در میان مدت و بلندمدت دچار اختلال کند به بحران مدیریت سیاسی فضا در گستره ملی خواهد انجامید؛ زیرا دست کم در صورت رخداد زمین‌لرزه‌ای به بزرگای حدود ۷ ریشتر با عنایت به کم توجهی به شیوه‌های مهندسی لرزه در ساخت بسیاری از بناهای این شهر که سکونتگاه بسیاری از مدیران است شمار زیادی از آنها کشته شده یا دچار آنچنان گرفتاری‌های روحی و روانی خواهند شد که اصولا دیگر مدیر نخواهند بود. از دیگر سو، پیامدهای آلودگی هوای به شدت زمین‌لرزه‌ها اما آهسته و پیوسته زیست و تندرستی شهروندان را به سان آفت رو به ویرانی و پریشانی می‌برد. موارد بر شمرده تنها گوشه‌ای از روزگار

۵- شهر تهران به واسطه وجود انواع گسل‌ها بستر نامنی دارد که در صورت فعال شدن یکی از آنها با توجه به تراکم بالای جمعیتی، منابع اقتصادی، خدماتی، سیاسی، فرهنگی و ناپایداری بسیاری از سازه‌های شهری پس از رویداد لرزش با بزرگای بیش از ۶ ریشتر تهران با فاجعه انسانی روبروی خواهد شد.

۶- تنگنای منابع آبی که در بالا توصیف شد.

ب- بازدارنده‌ها: دیدگاه مخالفان

مخالفان جابه‌جایی پایتخت نیز بر این باور هستند که طرح جابه‌جایی شانزده‌ده‌است و این طرح بدون پیش‌بینی منابع مالی مورد نیاز قابلیت اجرایی ندارد. از دیگر سو، بیشتر مناطق کشوری خط‌زمین لرزه‌هستند؛ از این رو، ماناگزیر از همزیستی با زمین‌لرزه هستیم، نه این که از آن بگریزیم. درباره آلودگی هم مخالفان جابه‌جایی بر این باور هستند که امروزه نزدیک به ۸ هزار خودرو آلاینده در تهران وجود دارد که ۳ شیفته کار می‌کنند و بر آلودگی می‌افزایند.

۱- با توجه به تمرکز مراکز سیاسی- اقتصادی و مالی در تهران طرح جابه‌جایی بار مالی کلاهی در پی دارد که از توان دولت بیرون است.

۲- چنانچه پایتخت سیاسی اداری به هر یک از شهرهای کشور منتقل شود تنگناهای موجود که در بالا به شماری از آنها اشاره شده همچنان پابرجاست.

۳- با جابه‌جایی پایتخت به هر شهر دیگری مشکلات تهران همانند راه‌انداز، آلودگی هوا و ... نیز منتقل می‌شود. افزون بر این شهرهای بزرگ کشور همچون اصفهان، تبریز و مشهد نیز در وضع موجود همان مشکلات تهران را دارند.

۴- هر شهر دیگر که به‌عنوان پایتخت برگزیده شود احتمال بسیاری از مضلات و آسیب‌های کنونی تهران را خواهد داشت؛ از این رو بهتر است با هزینه‌ای کمتر به ساماندهی این کلاشهر پرداخت.

ارزایی دیدگاه موافقان و مخالفان

هر دو گروه موافق و مخالف جابه‌جایی پایتخت بر اهمیت کارکرد تهران آگاهی دارند؛ از دیگر سو پذیرفته‌اند که وضع کنونی به واسطه وجود تنگناهای موجود، تداوم زیست شهروندان تهرانی را به مخاطره افکنده است و نمی‌تواند ادامه یابد؛ از این رو، پایتخت نیازمند در انداختن طرحی نو است. دیگر آن که تا هنگامی که گیرایی اقتصادی و دیگر جذابیت‌ها در پایتخت هست، مهاجریدوی نیز گریزناپذیر است. بی‌گمان جابه‌جایی پایتخت به مفهوم مها را کردن شهر چند میلیونی تهران با دشواری‌ها و تنگناهایی موجود است و نمی‌تواند برآورده خواست تنگنایری از کارشناسان و کارگزاران باشد. ساده‌انگاری است که بپنداریم پایتخت به جایی برود که خطر لرزش کمتر دارد؛ زیرا همه جای ایران خطر زمین‌لرزه همسان است. از این رو، تاگزیر از همزیستی با زمین لرزه‌هاست. به گفته کارشناسان هزینه جابه‌جایی پایتخت دست کم یک صد هزار میلیارد تومان است که از توان دولت بیرون است. بر این پایه، در کوتاهمدت و حتی میان مدت جابه‌جایی پایتخت ناشدنی است. بر این اساس، ساماندهی پایتخت و پایداری‌سازی سازه‌های موجود، بایسته‌ای گریزناپذیر است.

نتیجه‌گیری

این پذیرش همگانی وجود دارد که وضع موجود شهر تهران از دیدگاه جمعیتی، راهبردی، دانشجویی‌های زیست‌محیطی در قالب آلودگی هوا و تنگنای منابع آب و در عین حال آلودگی این منابع فراتر از توانش محیطی و خودپالایی این شهر است. داده‌ها و نشانه‌های موجود گویای آن هستند که دست کم تا چند سال آینده همچنان پایدار خواهند بود و برنامه و سوبه‌های آن افزوده خواهد شد. از این رو، زبان‌ها و آسیب‌های جسمی و روحی ناشی از فشارهای محیطی موجود، آرمش را از دور می‌رانند و باستاندگان پایتخت زمین‌لرزه‌هستند. از دیگر سو، نشستگاه شهر تهران بر گستره‌ای پوشیده از گسل‌های آشکار و پنهان استوار است که هر دم امکان لرزش دارد. داده‌های دستگایری گویای آن هستند که بیش از ۲ دهه از چرخه بازگشت زمین‌لرزه تهران گذشته است و نظریدن پایتخت دلیل بر امنیت آن نیست، بلکه آرمش پیش از طوفان است که تراکم انرژی در نتیجه افزایش شدت ویرانگری و هزینه هنگفت جانی و مالی برآیند نهایی آن خواهد بود. کلاشهر تهران تا حد زیادی شکننده است. از خود جای داده‌است به نحوی که با ناپایداری‌های اقتصادی آن به‌عنوان تهدیدی جدی برای امنیت ملی به شمار می‌آید. گسترش فعالیت اقتصادی (تجارت، صنعت و خدمات) در تهران بسیار متمرکز و شامل چندین لایه در

از زمان واپسین زمین‌لرزه

تهران (۱۲۰۹) نزدیک به

۱۸۴ سال می‌گذرد، با گذشت

زمان بیشتر از واپسین لرزه

تهران، احتمال رویداد لرزشی

بزرگتر قزوینی می‌یابد که به

واسطه افزایش انرژی ذخیره

شده در گسل، بزرگای لرزه‌به

مقدار حداکثر خودنزدیک‌تر

خواهد شد

گزارش

تهران بر مدار تغییر

اولین خودرویی بود که به ایران وارد شد. در کتاب «شصت‌سال خدمت و مقاومت» (خاطرات بازارگان، گفت‌وگو با سرهنگ غلام‌رضا نحاسی، تهران: موسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۵) آمده است: از نخستین مهاجرانی که به تهران آمدند، افراد ایل قاجار از گرگان، آذربایجان‌ها، مردم قم، اراک، تفرش، آشتیان، اصفهان، کاشان و یزد بودند. پیشه‌ها در دوران اولیه تقریبا بدین‌گونه میان مهاجران تقسیم شده بود: در امور اداری و دبیری و دفتری بیشتر مردم آشتیان، تفرش و اراک، بناها قعی و یزدی، فرش‌فروشا آذربایجان و کاشی و قعی، دیباغ‌ها همدانی، گرمابه‌دارها مازندرانی، سلمانی‌ها گیلانی، شیرینی‌زها آذری و یزدی، صیفی‌کارها قعی و یزدی و اصفهانی و ...

طبق اطلاعات منتشر شده، امروزه بخش بزرگی از مردم تهران از مهاجران تشکیل شده است. اکثریت مهاجران به تهران، ایرانی هستند و درصد کمی از مهاجران را مهاجران از کشورهای دیگر همچون افغانستان، عراق، یوگسلاوی، بوسنی و روسیه تشکیل می‌دهند.

دگرگونی‌های بنیادین در تهران از سال ۱۳۰۰ به بعد ایجاد شده است که به ۴ دوره کاملا جدا تقسیم می‌شود. سال ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰ که طی آن خندق‌ها و دروازه‌ها از بین رفت و شهر از ۴ جهت رو به گسترش نهاد و اندکی شاکت منظم و هندسی یافت همچنین ساختمان‌ها و تأسیسات بانک ملی، وزارت امور خارجه، شهریهالی کل کشور، ایستگاه راه‌آهن، دانشگاه تهران و ایستگاه فرستنده رادیو تهران باشگاه افسران و چند بیمارستان، مربوط به این دوره است.

سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ که همزمان با جنگ جهانی دوم بوده و به دلیل پیامدهای آن با محل استقرار ایلات ساوجبلاغ بود، اضافه بر آن، ایلات غرب ساکن در ورامین، یعنی هواخواهان وی در حوالی اقامت داشتند و جز این، تهران با استرآباد و مازندران که در حقیقت ستاد اصلی نیروهایش بود، فاصله چندانی نداشته است.

در زمان سلطنت فتحعلی‌شاه قاجار، بر اثر موج حرکت ایران به‌سوی غرب، تهران در پیش آباد شد. از جمعیت تهران در دوره فتحعلی‌شاه اطلاع دقیقی در دست نیست، ولی به‌طوری که در کتاب «جام‌جم» معتقدالدوله فرهاد میرزا آمده است، جمعیت تهران در زمان ناصرالدین‌شاه، به ۱۵۰ هزار نفر رسیده بود. ناصرالدین‌شاه ۲ نفر را مأمور کرد که محدوده و نقشه‌های برای پایتخت در نظر بگیرند و با وسعت بیشتری به حفر خندق‌های جدید، در اطراف تهران بپردازند.

ساختن حصار و حفر خندق‌های جدید تهران همین ۱۰ سال طول کشید و شهر تهران چندین برابر توسعه یافت و مساحت آن به سه فرسخ و نیم رسید و از طریق ۱۲ دروازه به محیط بیرون خود ارتباط یافت. این دروازه‌ها که هم‌اینک نیز گرجه ساختن ساختمان کاذب و بسیاری مسائلی اقتصادی و زیستی را بر شمرد.

تهران به‌عنوان پایتخت، محل استقرار کلیه وزارتخانه‌ها و ادارات و مراکز علمی کشور است و هم‌اکنون نمایندگی‌های سیاسی بیش از ۹۰ کشور جهان در تهران و اطراف آن مانند موزه ایران باستان، کتابخانه ملی، مجموعه کاخ‌های پیشین، بوستان‌ها و فضای سبز و موارد دیدنی دیگر را می‌توان نام برد.

حصاری که دور تهران

کشیده شد، ۶ هزار قدم

طول داشت و برای ساختمان

آن و برج‌هایش از ۲ نقطه

خاکبرداری کردند که بعدها

یکی از محل به «چاله میدان»

و دیگری به «چاله حصار»

معروف شد

دوره چهارم سال ۱۳۵۷ که همزمان با انقلاب ۱۳۵۷ خورشیدی آغاز شد، تغییر رژیم سیاسی کشور را شاهد بود که حاصل آن تغییر چشمگیر در همه ابعاد جامعه بوده است که به وضوح شاهد آن هستیم، گسترش تهران طی این سال‌ها مربوط به عوامل چندتی از جمله جنگ ایران و عراق و مسأله جنگ‌زدگان، تمرکز همه امکانات آموزشی و بهداشتی، درمانی و رفاهی در تهران موجبات گسترش بی‌رویه جمعیت در این شهر شده و دقیقا همین امر ایجاد مضلات اجتماعی و اقتصادی بیشماری را برای شهروندان تهرانی در پی داشته است که از آن جمله به اختصار می‌توان آلودگی محیط زیست، ترافیک شهری و مشکلات ترابری شهری، پیشه‌های کاذب و بسیاری مسائلی اقتصادی و زیستی را بر شمرد.

تهران به‌عنوان پایتخت، محل استقرار کلیه وزارتخانه‌ها و ادارات و مراکز علمی کشور است و هم‌اکنون نمایندگی‌های سیاسی بیش از ۹۰ کشور جهان در تهران و اطراف آن مانند موزه ایران باستان، کتابخانه ملی، مجموعه کاخ‌های پیشین، بوستان‌ها و فضای سبز و موارد دیدنی دیگر را می‌توان نام برد.

